

از خاک تا جلال

درس ۲۸: مزامیر

دکتر آر. سی. اسپرول

چیزی که هیچ وقت نمی‌خواهم انجام بدهم، اینه که حکمت عیسی رو زیر سوال ببرم، اما باید سؤالی رو مطرح کنم که همیشه من رو متحیر کرده و سؤال اینه که وقتی شاگردان نزد عیسی اومدند و گفتند: "خداوندا، دعا کردن را به ما تعلیم نما"، البته او با دادن الگوی دعا که دعای ربانی نامیده میشه، به این سؤال جواب داد و گفت: "وقتی دعا می‌کنید، اینطور دعا کنید."

اما جوابش من رو متعجب کرد، چون فکر کردم چیزی که باید به شاگرداش می‌گفت، این بود. البته مطمئنم دلایل خوبی برای انجام ندادن این کار داشت: اما شاید باید بهشون می‌گفت "اگه واقعاً می‌خواید یاد بگیرید چطور دعا کنید، در مزامیر تعمق کنید"، چون در کتاب مزامیر، مجموعه‌ی صد و پنجاه دعایی رو داریم که در اصل توسط روح‌القدس الهام شدند. پس اگه می‌خواید بدونید خدا چطور خشنود میشه و در دعا مورد احترام قرار می‌گیره، چرا در دعاهایی که خود خدا الهام کرده تعمق نمی‌کنید؟

واقعاً، مزامیر، کتاب مزامیر، یکی از بزرگترین گنجینه‌های کلیسای مسیحی هست. مورخین کلیسا اشاره به این کردند که در دورانی از تاریخ مسیحیت که تحولات و بیداری روحانی اتفاق افتاد و کلیسا در اون دوران از تاریخ خودش قوت تازه‌ای گرفت همزمان بود با توجه خاص به کتاب مزامیر در زندگی ایمانداران به طور مخصوص در پرستش ایمانداران.

مثلاً مارتین لوتر، به کتاب مزامیر می‌گفت "کتاب مقدس کوچک"، چون دنیای کوچکی از همه‌ی محتویات رو در اون دید، نه فقط موضوعات عهدعتیق، بلکه در پیش بینی بعضی از موضوعات عهدجدید، که در بطن اون ادبیات نهفته هستند. در عهدجدید، بیش از هر کتاب عهدعتیق، از کتاب مزامیر نقل قول شده و تنوع محتوا و موضوعاتش بسیار غنی هست.

حالا به لحاظ تاریخی، وقتی در زندگی کلیسایی درباره‌ی دعا صحبت می‌کنیم، بارها از حروف اختصاری رمزی (آکتس) به عنوان راهنمایی استفاده می‌کنیم که در عناصر ضروری دعا که وقتی نزد پدر می‌ریم، باید اونها رو بکار ببریم.

این برای من خیلی مفید بوده، چون ما تمایل داریم وقتی دعا می‌کنیم، کل وقتمون رو صرف تقاضا کنیم، به خدا بگیم از او چی می‌خوایم، نیازها و احساساتمون و غیره رو به او بگیم. تمایل داریم مسائل مهمتر دعا رو حذف کنیم. این حروف اختصاری رمزی کوچک، حداقل اصول بسیار مهم دیگه رو در دعا به من یادآوری می‌کنه، که اولی ستایشه.

حالا به این دلیل این رو می‌گم که می‌خوام چهار اصل دعا رو اینجا بگم، اما وقتی به کتاب مزامیر می‌پردازیم، محققان به لحاظ تاریخی به کتاب مزامیر نگاه کرده و چند نوع متفاوت یا دسته بندی مزامیر رو طراحی کردند، و البته این فهرست بیش از چهار تاست، اما می‌خوام بعضی از تشابهات بین این حروف اختصاری و دسته بندی‌های متفاوت در کتاب مزامیر رو بینیم.

حرف "سی" در کلمه‌ی "آکتس" در انگلیسی، کلمه‌ی اعترافه، "تی" برای شکرگزاری هست و "اس" برای تقاضا. این رسول در عهدجدید به ما می‌گه باید همیشه درخواستمون رو با شکرگزاری نزد خدا ببریم، پس اصطلاح قلب شکرگزار برای واکنش صحیح قوم خدا در دعا به حضور او، یک امر اساسی هست. البته همه‌ی دعا‌های ما، از یک نظر باید شامل اصل اعتراف به گناهامون باشه.

حالا همونطور که گفتم وقتی مزامیر رو می‌خونم، گاهی اوقات تقریباً احساس گناه می‌کنم، چون احساس می‌کنم با استراق سمع، دارم به حرف‌های خصوصی یک شخص مقدس که داره با خدا صحبت می‌کنه، گوش می‌دهم، اما اگرچه مزامیر، در اکثر بخش‌ها توسط افرادی مثل داود نوشته شده و اونها عمیق‌ترین عبادت شخصی و نیایش و شکرگزاری و ستایش و همه‌ی اینها رو منعکس می‌کنند، ولی باید درک کنیم که کاربرد مزامیر در تاریخ اسرائیل شکل گروهی داشت.

در واقع، کتاب مزامیر، کتاب سرود اسرائیل بود؛ یا به عنوان کتاب دعای عهد برای قوم خدا، خونده می‌شد.

خب، بیایید یه لحظه به انواع مختلف مزامیر که در کتاب مزامیر مشخص شده، نگاهی بندازیم. همونطور که گفتم کلمه‌ی ستایش رو در آغاز حروف اختصاری رمزی‌مون داریم. وقتی محققان بین غالب‌های ادبی گوناگون در مزامیر، تفاوت قائل شدند، یکی از مهمترین این غالب‌ها که میشه دید، مزامیر ستایشی نامیده شده. ستایش، اصل مهمی در مزامیره. اگه یادتون باشه، در عهدعتیق، نکته‌ی ضروری پرستش، این بود که برای قربانی فراهم کنند، اما قربانی اصلی که خدا می‌خواست، قربانی ستایش بود.

پس اگه می‌خواید یاد بگیرید چطوری به درستی خدا رو ستایش کنید، چطوری حس احترام و ترس و ستایشتون رو نزد خدا ابراز کنید، دوباره می‌گم، در مزامیر تعمق کنید. مثلاً زمزمور هشت اینطور شروع میشه: "ای یهوه خداوند ما، چه مجید است"، یا در ترجمه‌های دیگه: "چه شکوهمند است نام تو در سرتاسر زمین."

و در جای دیگه می‌خونیم: "تو را به تمامی دل خود حمد خواهم گفت." زمزمور صد و پنجاه: "هر چه جان دارد خداوند را بستاید." دوباره، این ایده که خدا جلالش رو برپا کرده و بالاتر از آسمان‌ها گذاشته و به همین دلیل باید به شدت مورد پرستش قرار بگیره، در سراسر کتاب مزامیر تکرار میشه.

دسته‌ی دومی که می‌بینیم، دسته‌ای هست که درباره‌ی مزامیر حکمت صحبت می‌کنه. حالا یادتونه که در درس قبلیمون، بین ادبیات حکمت و ادبیات شعری تمایز قائل شدیم. حالا مزامیر در هر دو سرفصل قرار می‌گیره.

کتاب مزامیر، حکمت و شعره، پس مزامیر متعددی در کتاب مزامیره که ما رو در طریق‌های حکمت هدایت می‌کنه؛ و قطعاً، معروف‌ترین اینها، مزمور اول هست که دعای برکت خدا رو بر شخص حکیم اعلام می‌کنه: "خوشابه‌حال کسیکه به مشورت شریران نرود و به راه گناهکاران نایستد، و در مجلس استهزا کنندگان ننشیند؛ بلکه رغبت او در شریعت خداوند است و روز و شب در شریعت او تفکر می‌کند."

و در مزمور یک، درباره‌ی مرد حکیم میگه او مثل درختی نشانده نزد نه‌های آب خواهد بود، که میوه‌ی خود را در موسمش می‌دهد، اما برعکس، شریران که موضوع متداول حکمت عهدعتیقه، اینطور نیستند، بلکه مثل کاهند که باد آن را پراکنده می‌کند؛ ریشه، لنگر و هیچ اصلی در زندگیشون ندارند. پس کتاب مزامیر برای کسانیکه میخوان برکت بیابند و حکیم باشند، با این دستورالعمل شروع میشه که شب و روز در کلام خدا تعمق کنند.

حالا نوع سوم مزمور که بارها می‌بینیم، و گاهی اوقات بعضی، اون رو کمی عجیب می‌دونند، اما ازتون می‌خوام نظرم رو که در پیغام‌های قبلی درباره‌ی فیلسوف دانمارکی، کی‌یرکی‌گارد گفتم، به یاد بیارید، او گفت هر وقت به خاطر ناچیزی نسلش که به نظر او شور و اشتیاقی نداشتند، افسرده می‌شد، به عهدعتیق توجه می‌کرد که مردم دروغ می‌گفتند، قتل و دزدی می‌کردند و همه‌ی این کارها رو می‌کردند. او گفت: حداقل این کسل کننده نیست، حداقل آدم‌ها با شور و حرارت عمل می‌کنند، به لحاظ وجودی، در همه‌ی عرصه‌های زندگی انسان و هستی شرکت داشتند."

خُب، یکی از چیزهایی که در مزامیر مطرح میشه، ابراز درد آدم‌هاست؛ دردی که از جفا، بیماری، از دست دادن عزیزان، غم و اندوه، و همه‌ی این عرصه‌ها میاد که باعث درد میشه. پس این حالت مزمور، مرثیه گفته میشه. این جالبه، هنوز این رو نگفتم، اما یکی از کتاب‌های کوچک عهدعتیق که احتمالاً توسط ارمیای نبی نوشته شده، کتاب مرثی هست.

معمولاً فکر می‌کنیم در جماعت مسیحی، اعلام غم و اندوه یا سوگواری به خاطر موضوعات، یک کار غیر روحانی هست، اما ایده‌ی ابراز غم در نزد خدا، عمیقاً در عهدعتیق ریشه داره، و عیسی "صاحب غم‌ها و رنج دیده" نامیده شده. ما حتی قالب ادبی مرثیه رو بر لب‌های عیسی می‌بینیم که برای اورشلیم سوگواری کرد: "ای اورشلیم، اورشلیم، سنگسار کننده‌ی انبیا"، و ادامه میده، "چند مرتبه خواستم فرزندان تو را جمع کنم، مثل مرغی که جوجه‌های خود را زیر بال خود جمع می‌کند و نخواستید!"

پس در کتاب مزامیر در عهدعتیق، نویسنده‌ی مزمور رو داریم که حرف دلش رو می‌زنه و نزد خدا گریه می‌کنه و داود میگه: "خدایا، بستر خویش را به اشک‌ها تر می‌سازم" ما این نوع مزمور رو بارها در عهدعتیق می‌بینیم؛ در واقع می‌خوام فقط یک نمونه از این رو در مزمور صد و دو به شما بدم.

عنوان مزمور صد و دو، دعای شخص رنج دیده هست. "ای خداوند دعای مرا بشنو، و فریاد من نزد تو برسد. در روز تنگی ام روی خود را از من میپوشان. گوش خود را به من فراگیر، و روزی که بخوانم مرا به زودی اجابت فرما.

زیرا روزهایم مثل دود تلف شد و استخوان‌هایم مثل هیضم سوخته گردید. دل من مثل گیاه زده شده و خشک گردیده است زیرا خوردن غذای خود را فراموش می‌کنم. به سبب آواز ناله‌ی خود، استخوان‌هایم به گوشت من چسبیده است.

مانند مرغ سقای صحرا شده، و مثل بوم خرابه‌ها گردیده‌ام. پاسبانی می‌کنم و مثل گنجشک بر پشت بام، منفرد گشته‌ام. تمامی روز دشمنانم مرا سرزنش می‌کنند."

اینجا مزمور نویس احساس می‌کنه از جماعت جدا شده، هم عصرانش، اونو خوار می‌کنند؛ و این موضوع اصلی مزامیر مرثیه هست، حس تن‌هایی که مردم در فروپاشی و درهم شکستگی روابطشون تجربه می‌کنند. اما قوی‌ترین اصل در مرثیه، زمانی هست که مزمور نویس احساس می‌کنه که خدا، حضور خودش را و جلالش را از اون دریغ کرده. "ای خداوند تا به کی فریاد برمی‌آورم و نمی‌شنوی؟"

گاهی اوقات وقتی مزامیر رو می‌خونم، به لوتر، در شب قبل از جلسه‌ی سرنوشت سازش در برابر امپراطور و نمایندگان کلیسا در شورا یا در "دایت وارمز" در آلمان فکر می‌کنم، وقتی توی فشار شدید در برابر خدا به روی درافتاده بود و فریاد زد: "خدایا، کجایی؟ آیا مخفی شدی؟ من در این لحظه‌ی بحرانی به حضورت نیاز دارم."

اما او از چیزی عبور می‌کرد که بعضی، شب تاریک جان نامیدند. پس مرثیه‌ی خودش رو نزد خداوند اعلام کرد و در پایان دعا، از روی زانوهاش بلند شد، روحش تازه شده بود و در ایمانش دلگرم شده بود و آماده بود به خاطر مسیح در برابر دنیا بایسته.

و حتی با خوندن این دعای لوتر می‌تونستید احساس کنید که لوتر در مزامیر تعمق کرده و زبان مرثیه برای او خیلی آشنا بود، او کتاب مزامیر رو به دانشجویهاش در ویتنبورگ تعلیم داده بود و می‌تونید ببینید چطور این ادبیات، دعای او رو شکل داده بود. همونطور که گفتم، افرادی که واقعاً زمان زیادی رو به مزامیر اختصاص میدن، این از دهان و لب‌هاشون در دعاهاشون بیرون میاد.

حالا یک نوع مهم دیگه از مزمور، معمولاً مزامیر مسیحایی نامیده میشه. تعداد زیادی از این شکل در عهدعتیق هست. گاهی اوقات به اونها مزامیر شاهانه یا مزامیر ملکوکانه هم گفته شده، چون اکثر جشن‌ها در زندگی قوم اسرائیل، بر وعده‌ی پادشاهی خدا تمرکز کرده و مردم به دنبال پادشاه مسح شده بودند که میومد و به صهیون می‌رفت و سلطنت خدا رو بر قومش ظاهر می‌کرد.

هر وقت یک پادشاه تاجگذاری می‌شد، در اسرائیل جشن می‌گرفتند؛ این یک لحظه‌ی مذهبی در تاریخ اونها بود و مزامیر خاصی در دوران باستان برای جشن گرفتن این رویدادهایی که اتفاق می‌افتاد، تصنیف می‌شد، و بعدها اون مزامیر از مفهومی خاص برای آینده و برای کسانی که به دنبال بازسازی خانه‌ی داوود و غیره در آینده بودند برخوردار میشد.

همونطور که گفتم کتاب مزامیر، کتابی در عهدعتیقه که بارها از اون نقل قول شده؛ یکی از مزامیر، که بیشتر از هر بخشی از عهدعتیق ازش نقل قول شده، مزمر صد و ده هست: "یهوه به خداوند من گفت: «به دست راست من بنشین.»"

و این اصل تاجگذاری رو نشون میده، وعده‌ی ارائه‌ی اقتدار ملوکانه به کسی که پسر داوود و خداوند داووده. همونطور که گفتم، بیشترین نقل قول از آیات عهدعتیق در عهدجدید از این مزمر صد و ده هست. مزمر دو، طعمی از انتظار مسیحایی به ما میده. اجازه بدید به طور مختصر بهش بیردازم و بعد به یکی دیگه می‌پردازیم. در مزمر دو درباره‌ی توطئه‌ی بین المللی پادشاهان این دنیا می‌خونیم: "چرا امت‌ها شورش نموده‌اند و طوائف در باطل تفکر می‌کنند؟ پادشاهان زمین برمی‌خیزند و سروران با هم مشورت نموده‌اند، به ضد خداوند و به ضد مسیح او؛ که بندهای ایشان را بگسلیم و زنجیرهای ایشان را از خود بیندازیم."

او که بر آسمان‌ها نشسته است می‌خندد. خداوند بر ایشان استهزا می‌کند. آنگاه در خشم خود بدیشان تکلم خواهد کرد و به غضب خویش ایشان را آشفته خواهد ساخت. «و من پادشاه خود را نصب کرده‌ام، بر کوه مقدس خود صهیون.» فرمان را اعلام می‌کنم: خداوند به من گفته است: «تو پسر من هستی امروز تو را تولید کردم.» و در پایان می‌خونیم: "و الان ای پادشاهان تعقل نمایید! ای داوران جهان متنبه گردید!

خداوند را با ترس عبادت کنید و با لرز شادی نمایید! پسر را ببوسید مبدا غضبناک شود، و از طریق هلاک شوید، زیرا غضب او به اندکی افروخته می‌شود. خوشابه‌حال همه‌ی آنانی که بر او توکل دارند." مزمر بیست و دو، یکی از برجسته‌ترین مزامیر در کل کتابه. با فریاد درد جانکاه شروع میشه.

کلمات آغازین مزمر بیست و دو اینه: "ای خدای من، ای خدای من، چرا مرا ترک کرده‌ای؟" این مزمر، حیرت‌انگیزه، چون این کلمات، کلمه به کلمه، توسط خداوندمون در زمان کفار شدنش گفته شد و به سختی میشه به این نتیجه‌گیری نرسیم که او در لحظه‌ای که لعنت عهد قدیم رو از قومش بر می‌داشت و خودش رو در معرض ترک شدن توسط خدای پدر می‌داشت تا قومش رو نجات بده، در واقع از این آگاه بود، تعجبی نداره که وقتی روی صلیب بود، دقیقاً کلمات این مزمر به ذهنش رسید.

در ادامه میگه: "و از نجات من و سخنان فریادم دور هستی؟" و آیه‌ی شش: "اما من کرم هستم و انسان نی. عار آدمیان هستم و حقیر شمرده شده‌ی قوم. هرکه مرا ببند به من استهزا می‌کند. لب‌های خود را باز می‌کنند و

سرهای خود را می‌جنابند و می‌گویند: «بر خداوند توکل کن پس او را خلاصی بدهد. او را برهاند چونکه به وی رغبت می‌دارد.» آیه‌ی دوازده: "گاوان نر بسیار دور مرا گرفته‌اند. زورمندان باشان مرا احاطه کرده‌اند. دهان خود را بر من باز کردند، مثل شیر درنده‌ی غران.

مثل آب ریخته شده‌ام. و همه استخوان‌هایم از هم گسیخته. دلم مثل موم گردیده، در میان احشایم گداخته شده است. قوت من مثل سفال خشک شده... سگان دور مرا گرفته‌اند... دست‌ها و پای‌های مرا سفته‌اند. همه‌ی استخوان‌های خود را می‌شمارم... رخت مرا در میان خود تقسیم کردند. و بر لباس من قرعه انداختند." شما کل مزمور بیست و دو رو می‌خوانید و این مثل گزارش شاهد عینی از مصلوب شدن عیسی هست، چیزی که قرن‌ها بعد اتفاق می‌فته.

پس مزامیر مسیحایی بخش مهمی از کتاب عهدعتیق هستند. بعد دیگه‌ای که حرف "سی" رو در حروف اختصاری رمزی ما در بر می‌گیره، شکلی هست که مزامیر ندامت نامیده میشه. تعدادی از اینها رو داریم. اگه می‌خواید بدونید چطوری به گناهانتون نزد خدا اعتراف کنید، در این گروه از مزامیر تعمق کنید، مزامیر ندامت؛ البته که مهمترین اونها مزمور پنجاه و یک هست که توسط داود نوشته شد، بعد از اینکه با کلام نبوت ناتان توبه کرد و نزد خدا گریه کرد که خدا با عدالت با او برخورد نکنه، بلکه با رحمت، و تقصیراتش رو بپوشونه و او فریاد می‌زنه: "گناهم همیشه در نظر من است." این یک گزارش باشکوه از پشیمانی حقیقی در زندگی ایمانداره.

گروه بعدی، یکی از بحث برانگیزترین گروه‌هاست و من به سرعت از اون رد می‌شم. اینها به اصطلاح، مزامیر نفرین هستند، مزامیر نفرین؛ مزامیری هستند که مقدسین با الهام روح، لعنت‌ها رو بر دشمنانشون اعلام می‌کنند و این با توجه به اخلاقیات عهدجدید، محبت به دشمنان و غیره، برای احساسات ما ناخوشایند و تکان دهنده هست، اما یادتون باشه که این مزامیر نفرین با الهام خداست. وقتی داود میگه: "دشمنانم را به نفرت تام نفرت می‌دارم." حرفش این نیست که روح بیمارگونه و انتقام‌جویانه داره، اما نفرت کامل چیه؟ نفرت کامل، نفرتی هست که نفرت خدا رو منعکس کرده و بازتاب میده.

به نظرم قوم خدا که در طول هولوکاست از دست هیتلر رنج کشیدند، حق داشتند نزد خدا برن و دعا کنند که خدا این آفت رو از قدرت و مقام برداره. دوباره منظورم اینه که در دعاهای این افراد در عهدعتیق، واقعیت‌گرایی هست.

نهایتاً دعاهای شکرگزاری و دعاهایی که شامل ستایش زیبایی و شگفتی و عظمت محبت خدا یا شریعت خداست. مثلاً مزمور نوزده و مزمور صد و نوزده، یک مدیحه هست، و طولانی‌ترین مزموره، و کل اون، شیرینی و برتری شریعت خدا رو گرامی می‌داره.

در این مزمور، مزمورنویس می‌گه: "شریعت تو را چقدر دوست می‌دارم." چون یادتون باشه که برای یهود و ایمانداران، دعا یک ارتباط دوطرفه هست، و اکثر چیزهایی که برانگیزاننده‌ی این دعاها بود، نتیجه‌ی تعمق روز و شب در کلام خدا، شریعت خدا بود و وقتی به صدای خدا گوش می‌دادند، با صداشون، شیرینی و شگفتی این چیزها رو که در کلام خداست، ابراز می‌کردند.